

نگین قم

جواد محدثی

فهرست:

نگین قم

مقدمه

قم ، حرم ائمه (ع)

کریمه اهل بیت (ع)

در سایه تربیت رضوی

فاطمه ، راوی حدیث

شهادت غریبانه حضرت

فضیلت زیارتش

سازندگی زیارت

ادب و آداب زیارت

" آداب زیارت " :

اذن دخول

زیارتنامه حضرت معصومه (س)

ترجمه زیارتنامه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نگین قم

مقدمه

بانوی بزرگوار ، حضرت فاطمه معصومه (س) دختر امام هفتم موسی بن جعفر (ع) ، چنان شخصیت و عظمتی دارد که حرم مطهر و مرقد منورش که حرم ائمه (ع) است . کانون تجمع علمای دین و شیفتگان معنویت است .

در طول سال ، از همه جا زائرانی به افتخار زیارت بارگاه این بانو نائل می شوند و بهره ها و توشه های معنوی می برند .

در این نوشته کوتاه ، سعی شده تا گوشه ای از جلالت و مقام آن حضرت برای علاقه مندان وی، بویژه زائران گرانقدر حرمت ترسیم شود . (۱)

امید است که توفیق زیارت این مرقد نورانی ، به همه آرزومندان نصیب گردد و زیارت عارفان زائران ، مقبول پیشگاه خداوند و اولیاء دین و ذخیره آخرت قرار گیرد .

قم ، جواد محدثی

۱۳۷۸ش

قم ، حرم ائمه (ع)

گروهی از مردم "ری" به زیارت امام ششم حضرت صادق (ع) رفته بودند . هنگامی که به محضر امام شرفیاب شدند ، در معرف خود چنین گفتند : ما اهل "ری" هستیم . حضرت فرمود : مرحبا به برادران قمی ما گفتند : ما از ری آمده ایم . حضرت دوباره همان سخن را فرمود . چند بار دیگر تأکید کردند که ما اهل ری هستیم . پاسخ حضرت همان بود . سپس امام چنین فرمود :

خداوند حرمتی دارد که آن "مکه" است . پیامبر (ص) هم حرمتی دارد و آن "مدینه" است . امیرالمؤمنین (ع) نیز حرمتی دارد که "کوفه" است . ما - ائمه دیگر - هم حرمتی داریم و آن "شهر قم" است . بزودی دختری از فرزندانم به نام "فاطمه" در آنجا به خاک سپرده می شود ؛ هر کس قبر او را زیارت کند ؛ بهشت برای او واجب می شود . این سخن را - به گفته راوی - امام صادق در زمانی فرمود که هنوز امام کاظم (ع) ، پدر حضرت فاطمه معصومه (ع) به دنیا نیامده بود . (۲)

ستایش های عظیم و اوصاف بلندی که درباره این شهر ، در روایات دیده می شود ، بی جهت نیست .

در احادیث ، از قم با عناوینی همچون ؛ سرزمین نجیبان ، حجت بر شهرهای دیگر ، معدن دانش و فضل ، منزلگاه آل محمد ، پایگاه و جایگاه شیعیان ، مأوای فاطمیان ، محلّ باز شدن در بهشت ، سالم ترین شهر و بهترین جاها ، شهر امن ، شهر یاوران ائمه ، حرم اهل بیت و ... یاد شده است و در حدیثی امام صادق (ع) ، بر اهل قم سلام و درود فرستاده و آنان را اهل رکوع و سجود و قیام و قعود دانسته و از آنان با وصف دانشوران و فهمیدگان و اهل درایت و عبادت نیکو یاد شده است . (۳)

آری ... "قم" ، طبق روایات ، حرم اهل بیت و حریم امامان و پناهگاه شیعیان است . بانویی در آن مدفون است که بارگاهش چون نگینی در این خطّه کویری می درخشد و حرمت چشمه ای پر فیض و کرامت جوش است و نه تنها کبوتران بر آسمان مزارش عاشقانه طواف می کنند ؛ بلکه پروانگانی شیفته علم و معنویت ، از سراسر ایران ، بلکه از کشورهای دیگری همچون حجاز ، بحرین ، هند ، پاکستان ، ترکیه ، عراق ، سوریه ، لبنان ، و کشورهای آفریقایی و آسیای دور به این وادی نور آمده اند .

حوزه علمیه قم ، به برکت مرقد پاک این بانو ، پدید آمده و دوام یافته است .

ایران ما ، از فروغ رضوی و عصمت فاطمی روشن و مطهر است .

این دوبرادر و خواهر ، یکی از شرق کشور ، همچون خورشید می درخشد و بر ایران بزرگ ، نور می افشاند ، دیگری در قلب کشور ، در خاستگاه نهضت ، مرکزیت حوزه فقاقت و عاصمه تشیع را گرم و پر جنب و جوش نگهداشته است .

سخن از " فاطمه " دختر موسی بن جعفر (ع) است ، که به " حضرت معصومه " شهرت یافته و مدفنش زیارتگاه دل‌های شیدا و شیفتگان فضیلت و عفاف است . سخن از شرافت بخش قم و طراوت بخش این شهر کویری است که از زلال فیض این دختر امام " ، همواره خرم و همیشه شاداب است .
کریمه اهل بیت (ع)

نهالی که در بوستان امامت بروید و از آب عفاف و نور فضیلت سیراب شود و توان بگیرد و با گذشت زمان خود به شاخه ای پر بار و زیبا از " شجره طیبه " دودمان رسول تبدیل گردد ، اگر " کریمه اهل بیت " نام نگیرد ، پس چیست ؟

این دختر فرزانه که به " فاطمه معصومه " می شناسیمش ، در روز اول ذي القعدة سال ۱۸۳ هجری در مدینه دیده به دنیا گشوده است در خانه ای که پدری چون " امام کاظم (ع) و برادری چون رضا (ع) در آن می زیسته ، بزرگ می شود . نام مادرش را " خیزران " ، یا " نجمه " یا " اروی " دانسته اند ، که کنیزی است لایق و پاک ، و چون حضرت رضا (ع) را به دنیا می آورد ، " طاهره " نامیده می شود .

فاطمه معصومه ، در دامن ایمان و پاکی می کند و در چشمه عفاف و عصمت و علم و حکمت ، به طهارت روح و جان می رسد . نسب و تبارش نبوی و فاطمی و علوی است . از طرف مادر به امام مجتبی (ع) و از طرف پدر به امام حسین (ع) می رسد . (۴)

عبادت و ادب ، شاخ و برگ رویده بر این " سرو پاکدامنی " است . ویژگی‌های روحی و خصایص فردی سبب شده که با لقب " کریمه اهل بیت " در زبان عالمان و فقیهان شیعه یاد شود . لقبی که از میان بانوان اهل بیت ، تنها به او اختصاص یافته است . لقب‌های دیگرش نیز ، هر یک گویای کمالات والایی اوست ؛ از جمله " محدّثه " ، " عابده " ، " مقدمه " و " معصومه " ، که هم نامها و لقب‌هایش و هم ارزشها و فضایلش ، یادآور مادر والا قدرش ، عصمت هستی و حبیبه خدا ، حضرت زهرا (س) است . از میان دختران امام کاظم (ع) این بانو با فضیلت ترین آنان به شمار می رود .

از جمله فضیلت های این بانو ، " مقام شفاعت " است . در روایتی از امام صادق (ع) تصریح شده است که با شفاعت آن حضرت ، عدّه بسیاری از شیعیان وارد بهشت می شوند .

در متن زیارتنامه آن حضرت نیز درخواست می شود که شفیع ما برای ورود به بهشت شود (یا فاطمه اشفعی لی فی الجنّه) ، چرا که نزد خداوند شأن و مقام والایی دارد (فانّ لك عندالله شأناً من الشأن) .

در سایه تربیت رضوی

فاطمه معصومه (س) تنها به عنوان خواهری که برادرش " علی بن موسی الرضا " را دوست بدارد و بخاطر برادری و خواهری ، دل در گرو محبت او گذاشته باشد نیست . گرچه "فاطمه" و "رضا" هر دو از يك پدر و مادرند و از يك پستان پاك شیر خورده و در يك دامن لایق و عقیف ، بزرگ شده و با نوازش دست ها و نگاه‌های يك پدر و مادر رشد کرده اند ، لیکن فاطمه معصومه ، تربیت شده برادرش حضرت " رضا " است .

دودمان او ، خانواده يك زندانی راه حق و اسیر در دست ستمگران است . پدرش حضرت موسی بن جعفر (ع) مبعوض دربار هارون الرشید گشته و به امر او بازداشت و زندانی شده است . این حبس و زندان هم سالها طول کشیده و تا شهادت آن امام ادامه یافته است . خانواده امام ، به درد هجران پدر مبتلاست ، ولی چون اسارت پدر به خاطر خدا و دین و حریت است ، با همه سختی‌هایش ، برای فرزندان ، قابل تحمل است ، چون خدا راضی است .

در این همه سال که موسی بن جعفر (ع) در زندانهای مختلف به سر می برد ، امام رضا (ع) عهده دار تربیت و متکفل زندگی خواهرش حضرت معصومه و دیگر خواهران است . در نبود پدر ، رسالت رهبری و مسؤولیت رسیدگی به تربیت فرزندان و حل مشکلات خانواده امام محبوس ، بر دوش اوست . حتی رسیدگی به خاندانهای علوی ، که امام کاظم (ع) سرپرستی یا سرکشی و رسیدگی به آنان را عهده دار بوده ، در این دوران سخت و غم آلود ، بر عهده حضرت رضاست .

مورخین ، تعداد خانواده هایی را که از طریق امام هفتم موسی بن جعفر (ع) اداره می شدند و تحت تکفل او بودند تا پانصد خانواده ذکر کرده اند . تأثیر تربیتی امام رضا (ع) را بر خواهر معصومش فاطمه ، نمی توان نادیده گرفت .

بی جهت نیست که این بانوی جوان ، در دانش و کمال ، در حدیث و فضل ، در ایمان و ثبات قدم ، در اراده و فداکاری و هجرت ، پایگاه و جایگاه بلندی یافته و به مرز " عصمت " رسیده است و دلهای عاشقان عترت را مجذوب خود ساخته است و عالمانی فرزانه و فقیهانی بلند مرتبه ، به آستان بوسی او افتخار کرده و می کنند و سلام به او را هر صبح و شام ، توفیقی الهی برای خود می شمرند .

فاطمه ، راوی حدیث

در خانواده امام ، زمینه از هر جهت فراهم است که فرزندان - چه دختر و چه پسر - با علم و قرآن و حدیث و فقه ، آشنایی کامل داشته باشند . فاطمه (س) نیز از این موهبت برخوردار است و آنگونه که گفته اند ، " عالمه محدثه راویه " بوده است . هم احادیثی را از پدران ارجمندهش روایت می کند ، هم زنان و مردانی صاحب دانش و آشنای حدیث احادیثی را از زبان این بانو روایت می کنند و نام " فاطمه دختر موسی بن جعفر " در سلسله سند برخی روایات دیده می شود و عالمانی از شیعه و سنت ، روایات او را در ضمن روایات ثابت و صحیح و مورد قبول نقل می کنند .

یکی از این روایات ، با سندهای متصل ، به حضرت زهرا و پیامبر (ص) می رسد و مربوط به " حدیث غدیر " و " حدیث منزلت " است . و حدیثی دیگر به پیامبر اسلام می رسد و مضمونش نقل قضایا و مشاهداتی از شب معراج است . در حدیث دیگری با چند واسطه از پیامبر خدا نقل کرده است که فرمود : هر کس با محبت آل پیامبر بمیرد ، شهید مرده است . (۵)

و حدیثی دیگر با سندی نزدیک به همین صورت ، به پیامبر (ص) می رسد که مضمونش طهارت و پاکیزگی امام حسین (ع) هنگام ولادت و عدم احتیاج به تمیز کردن است . نقل حدیث از فاطمه معصومه و اهتمام و توجه عالمان به آنچه از زبان او بعنوان " حدیث " می شنوند و نقل و ثبت آن در مجموعه های حدیثی ، نشان دهنده جایگاه معتبری است که این دختر جوان و عالم ، نزد اهل معرفت و ارباب بصیرت داشته و دارد .

شهادت غریبانه حضرت

در ویژگیهای چندی ، این بانوی والا قدر ، شبیه مادرش حضرت زهرا (س) است . مرگ در جوانی هم یکی از این نقاط اشتراک و تشابه است .

هفده ساله است که برادرش حضرت رضا (ع) به اجبار از " مدینه " به " مرو " برده می شود و مأمون با عنوان " ولایتعهدی " او را به پایتخت خود احضار می کند . در این هنگام ، سال ۲۰۰ هجری است . وداع دردمندانه و پرسوزی که حضرت رضا (ع) هنگام ترک مدینه به سوی " مرو " انجام می دهد ، همه را به گریه م یاندازد . همه می دانند که حضرت را پس از این " سفر بی بازگشت " نخواهند دید .

از این رو ، يك سال نمي گذرد كه حضرت معصومه ، همراه تعدادي از برادران خویش به شوق دیدار برادرش ، عزم سفر مي كند و به قصد خراسان به راه مي افتد . اما دست تقدیر ، تدبیر دیگری اندیشیده است . به ساوه كه مي رسد بیمار مي شود . در برخي نقلها آمده است كه میان همراهان ؟ آن حضرت و مأموران حكومتي كه مخالف اهل بیت بودند ، درگیری مي شود و بعضي از همراهان نیز كشته مي شوند . باري ... قرائن نشان مي دهد كه به خراسان نخواهد رسید و این بیماری ف او را از پای خواهد افكند .

مي پرسد : تا " قم " چقدر فاصله است ؟

مي گویند : ده فرسخ .

مي خواهد كه او را به قم برسانند . چرا كه شیعیان قم هواداران اهل بیت اند و اشعریان به این خاندان احترام مي گزارند و او از پدرش موس بن جعفر (ع) شنیده است كه : " قم مركز شیعیان ماست " .

وقتي به قم مي رسد ، عده اي از بزرگان و چهره هاي معتبر قمي به استقبال او مي شنایند " موسي بن خزرج اشعري " در پیشاپیش استقبال کنندگان است . پیش مي رود و زمام ناقه دختر موسي بن جعفر (ع) را مي گیرد و او را به طرف خانه خود مي برد . موسي بن خزرج ، افتخار آن را دارد كه تنها هفده روز از دختر امام پذیرايي كند . (۶) حال این بانو وخیمتر مي شود و در روز ۱۰ ربیع الثاني ۲۰۱ هجري چشم از جهان بسته ، به خانه ابدی آخرت کوچ مي كند . به دستور موسي بن خزرج ، او را غسل مي دهند و كفن مي كنند و براي خاکسپاري ، به قطعه زمینی به نام " بابلان " - كه متعلق به موسي است - منتقل مي كنند .

سردابي را حفر کرده اند كه پیکر این بي بي را در آنجا دفن كنند . بر سر اینکه چه كسي بدن مطهر حضرت معصومه را برداشته و وارد قبر كند ، میان خاندان و بستگان موسي بن خزرج اختلاف مي شود . در نهایت تصمیم مي گیرند كه خادم پیر و با ایمان و صالحی كه دارند ، بدن او را در قبر بگذارد . كسي را در پی آن خادم - كه نامش " قادر " است - مي فرستند ، ولي در همین لحظه چشمشان به دو تكسوار نقابداري مي خورد كه از سوي ریگزار به شتاب مي آیند .

چون آن دو سواره ، به جنازه نزدیک مي شوند فرود آمده ، بر او نماز مي خوانند و واگرد سرداب شده و جنازه را وارد آنجا مي كنند و به خاک مي سپارند ، سپس بیرون مي آیند و بي آنكه حتي يك كلمه با كسي سخن بگویند ، مي روند و كسي نمي شناسد كه این دو سوار ناشناس - و در واقع ، آشنا و شناس با این بانوي گرامی - کیستند؟

پاره اي از تن " اهل بیت " به ودیعت در این شهر مدفون مي شود ، تا نشانی از عشق و ولای این سرزمین و مردمانش به خاندان عصمت و به " معصومه اهل بیت " باشد . دي این جا دفن مي شود ، تا این شهر کویري را به " بوستان علم " و " گلشن فقاہت " تبدیل كند .

اگر شكوفه " حوزه علمیه " بر این شاخه جدا افتاده از اهل بیت مي روند ، براي با نشاط نگهداشتن مکتب و مرام خاندان رسول (ص) است .

باري ، از آن پس ، سایه بانی از حصیر بر قبر او مي سازند ، تا آنكه " زینب " ، دختر امام جواد (ع) قبّه اي بر روي قبر عمّه اش حضرت معصومه (ع) بنا مي كند . پس گزاف نیست اگر حضرت معصومه (س) را " فاطمه ثاني " بدانیم با شأن و شرافتي كه دارد ، با پیوندي كه با شجره طیبه اهل بیت دارد ، با علم و فضیلت و كمالي كه در مکتب وحی آموخته است ، با رحلتی در سن جوانی ، غریبانه و دور از وطن ، در هفده سالگی

که به شوق دیدار برادرش حضرت رضا (ع) راه مدینه تا " مرو " را پیش می‌گیرد، اما پیش از دیدن برادر، به دیدار خدای حیّ داور می‌رود.

قم، از دیرباز و از زمان ائمه (ع)، مرکز شیعه بوده و چهره‌های برجسته‌ای از راویان و عالمان، از این شهر و در این شهر بوده و زیسته‌اند.

مدفن حضرت معصومه (س) و توصیه امامان بر زیارت قبر مطهر او، بر رونق و موقعیت و جاذبه معنوی این شهر می‌افزاید و بتدریج، کتابخانه‌ها و مدارس دینی و بالأخره در سال ۱۳۱۰ هـ. ش. " حوزه علمیه قم " به دست مرحوم آیت الله شیخ عبدالکریم حائری یزدی تأسیس و احیاء می‌شود و این حوزه که پیشتر هم وجود داشت، جان تازه‌ای می‌گیرد و به همین سبب مرحوم حائری به " آیت الله مؤسس " مشهور می‌شود. فقیهان و فرزاندانی بسیار، به این شهر هجرت می‌کنند و بر وجهه و اعتبار و مرکزیت آن، جنبه جهانی می‌بخشند.

زائران بارگاهش و پروانگان شیفته حرمش از سراسر ایران بلکه از کشورهای مختلف می‌آیند، تا دل را در کوثر زیارتش صفا بخشند و از علوم اهل بیت بهره‌گیرند.

امروز علاوه بر زائران حرمش، از دهها کشور خارجی کسانی در پی آموختن علم دین و فرهنگ ناب تشیع در این شهر به سر می‌برند و در سایه حرم نورانی بانوی کرامت، معارف اسلام را می‌آموزند، تا مبلغ دین و پیام رسان حوزه در سراسر جهان باشند.

عظمت و شکوهی که این شهر و این حریم دارد، ریشه در باورهای مقدس مسلمانان و دلدادگان این خاندان دارد.

در دوره‌های مختلف، تعمیرات و بازسازی و توسعه‌های گوناگونی در حرم مطهر انجام می‌گیرد تا به صورت کنونی در می‌آید که برخوردار از گنبد طلایی و چندین گلدسته و دو صحن و ایوان و مجموعه‌ای رواقها و مساجد اطراف مرقد نورانی اوست و چون نگینی در این شهر می‌درخشد و نمونه‌ای از هنر ماندگار هنرمندان با ایمان و عاشق است.

اینک قم، یک شهر نیست، یک " فرهنگ " است، جغرافی نیست، تاریخ است.

قم، ریشه در دین دارد و از چشمه سار معارف " اهل بیت " سیراب شده است. قم همیشه قائم و پیشتاز و پیشقدم بوده است. در انقلاب اسلامی، ندای " قم " بود که بر رواق تاریخ معاصر انعکاس می‌یافت.

" ۱۹ دی " بارقه‌ای از آن دل‌پر از التهاب و جرقه‌ای از آن کانون خشم و آتش بود که در سینه خدا باوران و محبان این خاندان نهفته بود.

شعله مقدس و ستم‌سوز برخاسته از قم، همه‌جای ایران را گرفت و به آفاق جهان معاصر نیز دامن کشید و آن " موج خون " به ساحل پیروزی رسید. ایران با نیروی " الله اکبر " روی پای خود ایستاد. ایران با نیروی " الله اکبر " روی پای خود ایستاد. ایران " قائم " شد و " قم " به ثمر " قیام " نشست.

قائم‌ان قم، پس از آن تکبیرة الأحرار سبز، به " سجده شهادت " افتادند. سرانجام، آن رکوع‌های سرخ و آن سجده‌های خونین به " سلام پیروزی " متصل شد و امام آمد و " دهة فجر " بر سر این امت نور پاشید. نوری که جرقه آن از حماسه ۱۹ دی قم برخاسته بود و سایه لطف این بانوی کریمه بر آن نشست بود.

پیروزی " فتوا " را جشن گرفتیم و نصرت " اجتهاد و فقاہت " را به عید نشستیم.

اینها همه از جوشش چشمه کویر و عصمت قم، حضرت معصومه (س) بود که به برکت مزار او، هنوز هم فروغ فقه و فلسفه و حدیث و قرآن و ایمان و انقلاب، از این شهر به آفاق گیتی دامن گستر است.

فضیلت زیارتش

تأکید و توصیه ای که نسبت به زیارت قبر حضرت معصومه (س) در روایات دیده می شود ، شگفت است و ما را به مقام و منزلتش بیشتر واقف می سازد .
پاداش زیارت مدفن او " بهشت " است . این ، در بیشتر روایات مربوط به زیارتش آمده است . تشویق به زیارت او از زبان امام صادق (ع) ، امام رضا (ع) ، امام جواد (ع) و ... نقل شده است . سعدبن سعد از امام رضا (ع) در این باره می پرسد ، حضرت پاسخ

می دهد :

" مَنْ زَارَهَا فَلَهُ الْجَنَّةُ " . (۷)

"کسی که او را زیارت کند پاداشش بهشت است " .

از امام جواد (ع) روایت است که فرمود:

هر کس قبر عمّه ام را در قم زیارت کند ، بهشت برای اوست . (۸)

در حدیث دیگری که سعد روایت می کند ، چنین است که امام رضا (ع) از او می پرسد :
ای سعد ! قبری مربوط به ما اهل بیت نزد شماست؟

پاسخ می دهد : آری فدایت شوم ، قبر فاطمه ، دختر موسی (ع) آنگاه حضرت می فرماید :
آری ! هرکس با معرفت به حقش او را زیارت کند ، بهشت اوست :

" نعم، مَنْ زَارَهَا عَارِفًا يَحَقُّهَا فَلَهَا الْجَنَّةُ "

اما این شرط "عارفاً بحقها" مهم و در عین حال دشوار است. گرچه امروز ، به تشویق و توصیه امامان ، زائران بسیاری همه رو ه در طول سال ، از همه جا به دیدار مرقده می آیند و در حرمش و کنار ضریحش رو به قبله می ایستند و ۳۴ مرتبه "الله اکبر" ، ۳۳ مرتبه "سبحان الله" و ۳۳ مرتبه " الحمد لله " می گویند ، سپس به خواندن زیارتنامه اش می پردازند و بوسه بر ضریحش می زنند و او را در پیشگاه خدا شفیع و واسطه قرار می دهند ، ولی آیا همه زائران یکسانند ؟ و آیا همه با يك روحیه و احساس و معرفت فیه زیارت این حرم می آیند و فرازهای زیارتنامه را می خوانند ؟

بزرگان دین و مراجع تقلید و اساتید حوزه و صاحبان عارف ، از این بارگاه رفیع ، توشه ها چیده اند .

توشه زائران از این زیارت چیست ؟ و آیا همه بهره می برند ، یا رخی دست خالی از این " بازار معرفت " بر می گردند ؟

آنکه به " حرم " می رود ، باید " محرم " باشد و احترام ولی خدا را حفظ کند .

کسی که به " حرم معنویّت " قدم می گذارد ، باید

" حرمت معنی " را لمس کند و چون پای از " مزار " بیرون می نهد ، حالش تحوّل یافته

باشد . حضور تن و جسم ، ولی غیبت روح و جان ، چه فایده دارد؟! ...

زیارت عارفانه ، تنها از اهل بصیرت و معرفت بر می آید .

باید دید فلسفه تأکید فراوان بر زیارت اولیاء دین چیست و در چه صورت ، آن اهداف

تربیتی تأمین می شود؟ (۹)

بزرگان وارسته و عالمان اهل دل ، چگونه زیارت می کردند ؟

شیوه تشرّف آنان به حرّمهای مطهر ، از جمله بارگاه باصفای حضرت معصومه (س) الهام

بخش و درس آموز است .

شیوه تشرّف آنان به حرّمهای مطهر ، از جمله بارگاه باصفای حضرت معصومه (س) الهام

بخش و درس آموز است .

به این چند نمونه توجه کنید :

امام امّت (ع) در سالهای پیش از تبعید ، هر روز بعد از درس ، غروب تا موقع نماز ، يك

تشرّف مختصر به زیارت حضرت معصومه داشتند و این کار ، بطور مداوم بود .

علامه طباطبائي (ره) هنگام روزه ، پیش از افطار ، به حرم مشرف مي شد و با بوسه بر مزار اين بانو ، روزه خود را مي گشود .

حكيم عارف ، مرحوم ملاصدرای شیرازی که مدت‌ها در روستای "كهك" قم به سر مي برد ، هرگاه يك مشكل علمي و گره فلسفي برایش پیش مي آمد ، یا از حلّ يك مسأله فلسفي در مي ماند ، آهنگ زیارت قبر دختر موسی بن جعفر (ع) مي کرد و فاصله چهار فرسخ تا قم را مي پیمود و در این زیارت قیر والتجاء و استمداد از روح بلند حضرت معصومه (س) مشكل علمي خود را حل مي کرد و به محل اقامت خود بر مي گشت .

این بزرگواران ، از " زیارت " چه مي دیدند و چه مي یافتند که ما نمي یابیم ؟ بي شك ، معرفت آنان بیشتر بود ، در نتیجه بهره روي حامي شان هم از زیارت ، افزونتر بود .

قم ، حرم اهل بیت عصمت است و شوق زیارت قبر این بانوي عظیم ، دلهاي مشتاق و گامهاي رهپوي را همواره به این "مرقد" کشانده است .

دریغ است کنار دریا زیستن و تشنه بودن!...

وقتي دیگران برای زیارت حرمش از شهرهاي دیگر مي آیند و حتي زائراني از پاکستان ، کویت ، لبنان ، بحرین و کشورهای مختلف شیعه نشین زائر قبر او مي شوند ، از ساکنان این شهر و مردم قم ، که در کنار این " کوثر ثانی" از رحمت خدا و برکتهای او برخوردارند ، انتظاري بیشتر است .

بانوي نجیب عترت! خدا را شاکریم که طعم محبت شما ر به ما چشانده است .

مي فهمیم که " توسل " یعنی چه . " تبرک " را لمس مي کنیم و باور داریم . پشتوانه اي داریم که نامش "شفاعت" است . از سیر و سلوکی برخورداریم ، با عنوان "تقرب " . اینها سرمایه های ماست . خدا کند که اینها را نیازیم .

معصومه عصمت آموز! اي کریمه اهل بیت!

ما هنوز هم محتاجیم و نیازمند . نیاز ما به قدر کرم شماست . ما را رها نکنید .

دوست داریم همچنان اسیر شما باشیم ، بسته درگاهتان ، دلبسته مودتتان .

باري ... زائران حرمش ، هنگام تشرّف باید خود را ایستاده در برابر آینه اي از کمال و بصیرت و عفاف و علم ببینند و از شایستگیها ، فضیلتها ، ایمان و اخلاقش اسوه و الگو بگیرند .

زیارت ، در این صورت است که اثر تربیتی خواهد داشت . اگر برای زیارت ، پاداش و اجر عظیم بخاطر سازندگیهای آن و تأثیر گذاری در فکر ، روح ، اخلاق و زندگی زائر است .

با این حساب ، حرم فاطمه معصومه ، يك مهد معنوي تربیت روح و مرکز تعلیم کمال است ؛ اگر زائر را چشمي بینا و قلبی آگاه باشد ...

سازندگی زیارت

زیارت نمد و نشانه اي از احساس شوق دروني و انسانهای والا و اولیاء خداست . رفتن به زیارت ، دلیلی نمی خواهد ، جز همان محبت قلبی .

آنکه عشق و شوق داشته باشد ، به زیارت هم مي رود .

زیارت ، زبان علاقه و ترجمان وابستگی قلبی است .

وادی زیارت ، وادی عشق و علاقه و عرفان است .

حرم و صحن و ضریح و رواقها و گنبد و گلدسته و ... ظاهر قضیه است . باطن آن ، ادای احترام به مقام والای امام معصوم و امامزاده گرانقدري است که در هر مزار آرمیده و فضیلتهایش ، جذب کننده دلها و دیده ها به سوی تربیت مقدّس آنان است و همان بُعد معنوي و باطنی است ه به این مظاهر ، قداست و حرمت مي بخشد .

وقتي عشق در کار باشد، محبوب و دیدار او و دیار او و هر چیزی است که منسوب به اوست .

زیارت ، شناخت و معرفت می آموزد و معرفت ، انسان را به زیارت و دیدار ، مشتاق می سازد .

این هر دو ، تأثیر متقابل در یکدیگر دارند .

وقتي کسی در مدار عشق قرار گرفت و در محیط و قلمرو محبت " الله " و " اولیاء الله " وارد شد ، این محبت ، پای او را به زیارتگاهها و مراقد معصومین (ع) می کشاند .

اولیاء خدا هم ، به زائران مشتاق و دلهاي مستعدّ عنایت و توجه می کنند و دل و جانشان را با " کیمیای نظر " دگرگون ساخته ، توفیق تشرّف به حضور را برایشان فراهم می آورند و دست " زائر " را گرفته ، بالا می برند و به مهمانسرای فیض حضور می رسانند و بر مائده های معنویّت می نشانند .

زیارت ، زمینه ساز چنین ارتقاي روحی است .

زیارت ، الهام گرفتن از اسوه ها و سرمشق هاست .

برای یافتن شعله عشق خدایی و گرم شدن از حرارت شوق معنوی ، باید به کانونهای روشنی و منبع نور نزدیک شد و گام در حریم " حرم " نهاد .

و باید عاشق شد ، تا زیارت فراهم گردد .

چه نعمتی بالاتر از اینکه انسان ، مورد توجه پیشوایان معصوم قرار گیرد و در دنیا از نعمت " زیارت " و در آخرت هم ان شاء الله از " شفاعت " آنان بهره مند گردد! ...

پیشوایان معصوم (ع) ، واسطه های فیض اند . باید برای بهره وری از دریای کرم الهی ، آنان را در پیشگاه خداوند ، واسطه و شفیع قرار داد .

حتی برای " توبه " و " اصلاح نفس " هم ، که دل شکستن و پشیمانی و تصمیم بر ترك گناه و " خوب شده " لازم است ، حریمهای معصومین ، یکی از بهترین جاها و " توسل " به آنان ، یکی از مناسبترین زمینه هاست .

آنگاه وقتی که قطرات اشک ، از چشمها بر صورت فرو می غلند ، وقتی شانه ها ، از شدت خشیت و خوف می لرزد وقتی نگاهها ملتمسانه به حرم یار ، دل را به محبوب نزدیک می سازد ، وقتی زائر ، خود را در پیشگاه یکی از حجتهای خدا ، مقصر و خطاکار و گناه آلود می بیند ، وقتی دلش می شکند ، این دل شکستها ، گریه ها ، اشکها و توبه ها ، زمینه ساز پاک شدن جان و قلب از ردائل می گردد و زائر پاک می شود و آب دیدگان ، گرد و غبار معصیت را از صفحه جانش می شوید . زلال و باصفا می شود و به پاکان نزدیکتر می گردد .

خوشا به حال آنکه در این گونه " اماکن مقدسه " .

طیب و طاهر گردد و زندگی را در مسیر خداپسند از سر گیرد .

ادب و آداب زیارت

مشرّف شدن به " حرم " با رفتن به جاهای دیگر و دیدارهای دیگر فرق دارد .

جان و نیت و روح و جسم باید پاک باشد و زائر ، باید خود را در این حریم مقدّس ، از هر آلودگی و زشتی دور نگاه دارد و بکوشد تا اجر زیارت و ثواب این عبادت را ضایع نکند .

بزرگان ، در " آداب زیارت " حریمهای مطهر ، سفارشها و دستورالعمل های بسیاری دارند . در اینجا به نمونه ای از این رهنمودها اشاره می کنیم .

علامه مجلسی ، سخنی را از مرحوم " شهید اول " - از علمای برجسته شیعه - نقل می کند که خلاصه آن ، چنین است: (۱۰)

" آداب زیارت " :

- قبل از ورود به زیارتگاه ، غسل کردن و باطهارت بودن

- با لباسهاي پاکيزه و بوي خوش زيارت کردن
- آرام قدم برداشتن و خضوع و خشوع آمدن
- بردرگاه حرم ايستادن و دعا خواندن و اجازه و اذن ورود خواستن ، و اگر رقت قلب حاصل شد . آنگاه وارد شدن
- در برابر ضريح ايستادن و زيارتنامه خواندن
- طرف راست و چپ صورت را بر ضريح نهادن و با تضرع ، از خدا حاجت خواستن
- صاحب قبر را برای برآمدن حاجت و رفع نیاز ، شفيع قرار دادن
- دو رکعت نماز زيارت خواندن و دعاهاي منقول را خواندن
- تلاوت قرآن در حرم داشتن
- حضور قلب داشتن در تمام مراحل زيارت
- توبه و استغفار کردن و صدقه دادن به نیازمندان
- تکریم و احترام نسبت به خدام حرم و ..."
- خلاصه آنکه زائر ، بايد خود را در محضري مقدس احساس کند و ادب شايسته مقام را بداند و مراعات کند و تصور کند که در حال حیات و زنده بودن امام یا فرزند امام ، به خانه او آمده و توفيق ملاقات يافته است .
- تند خويي با زوار و خدام ، نگاههاي آلوده و تماسهاي بدني حرام ، بي توجهي به نماز جماعت ادامه زيارت هنگام برپايي نماز ، همه و همه نکاتي است که با " اداب زيارت " ناسازگار است .
- بزرگان وارسته ، هنگام تشرف به حرم ، نيّتي جز فيض بردن نداشته اند و رفتار و نگاه و نيّت و اخلاص خود را هرگز به غير خدا نمي آمیختند .
- بکوشيم تا عملي خالص ود دور از ریا و گناه ، داشته باشيم ، که خداوند ، از " اهل تقوا " مي پذيرد :
- " إِنَّمَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ " (۱۱)
- زيارتتان قبول ، و دعاهايتان مستجاب باد ...
- اذن دخول
- بي بي جان ! ... سلام .
- مي خواستم به زيارت حرمت آيم .
- مي خواستم بوسه به ضريح مقدست بزنم .
- نمي دانستم رخصت آن را داشتم يا نه ؟
- وقتي مي ديدم بعضيها سر را پايين انداخته ، همين طوري وارد صحن و حریم حرمت مي شوند ، از اين در وارد شده ، از در ديگر بيرون مي روند ، بي آنکه لحظه اي درنگ کنند و سلامي و ثنابي ، ناراحت مي شدم .
- آخر ف اينجا خانه توست .
- هرچند درهاي حرم گشوده است .
- ولي آيا مي توان بي اجازه وارد خانه تو شد و بي سلام و درود ، از در ديگر خارج گشت ؟
- آستاني که روحهاي بلندي بوسه بر آن مي زده اند ، حرمني که " آشيانه آل محمد " است ،
- حريمي که فرشتگان ، پاسبان آنند ،
- مرقدي که نگين شهر ماست .
- بي بي ! خواستم بي " اذن دخول وارد شوم ،
- اما نمي دانستم راهم مي دهند ؟

وضو که گرفته بودم . به نیت " زیارت " هم آمده بودم . معتقد بودم که شما اهل بیت آفتاب ، پس از مرگ هم زنده اید و توجّه به زائران دارید . وقتی روح هر کس پس از مفارقت از بدن ، متوجّه مردم و بستگان و خانه و آشنایان است ، شما که جای خود دارید . شما وصل به دریایید ، اصلاً خودتان يك دریا کرامت و بصیرت و شهودید . مگر می شود نسبت به زائران و عابران و عارفان و جاهلان ، یکسان نظر کنید ؟ مگر می شود ندانید چه کسانی به زیارتتان آمدند و چه نیت داشتند و چه فهمیدند و چه گرفتند و چگونه رفتند؟

وقتی گاهی می دیدم بعضی از ساکنان این شهر نور ، همین که از خانه بیرون آمده ، به کوچه یا خیابان یا جایی می رسیدند که از دور ، حرم مطهرت چشم را می نواخت و دل را روشن می کرد ف می ایستادند . و دست ادب به سینه می گذاشتند ، سلام می دادند ، تنظیمی کرده ، به راه خود ادامه می دادند ، لذت می بردم و بر این همه معرفت و ادب، آفرین می گفتم .

می شد از دور هم سلام بدهم .

" بعد منزل نبود در سفر روحانی " ...

ولی ادب ، اقتضا می کرد که برای آستان بوسی به حرم مشرف شوم .

چه صادقانه و ساده ، این زائران خسته و از راه دور آمده ، از هوای معنوی حریم رمت استنشاق می کنند، روحشان شاداب می شود . گاهی هم چند قطره اشک ، بدرقه سلامشان است . بخصوص وقتی می خواهند از این شهر بروند و سفر زیارتی شان به پایان رسیده باشد و برای " زیارت وداع " آمده باشند .

بی بی جان !... از این حرفها بگذرم .

آمده ام تا از نزدیک ، عرض ادب کنم .

از صحن گذشته ام . کفشهایم را به کفشداري سپرده ام . از لابه لای جمعیت عبور کرده ام ، اینک در رواقی هستم که براحتی ضریحت را می بینم ، به ، چه جلوه و صفایی دارد . اللهم صلّ علی محمد و آل محمد .

باور دارم خیلی از دلهاي تیره ، جانهای غبار گرفته ، چشمان غریبه با اشک ، روحیه های گریزان و فراری ، وقتی توفیق پیدا می کنند که به این "حرم" آیند ، روشن و زلال می شوند. غبارها از آینه جانیشان برطرف می شود ، چشمهایشان با اشک ، آشتی می کند. چه قدر شفاف می شود هوای يك چشم ، پس از يك بارش اشک ، و چه قدر سبک و شاداب می شود روح يك زائر ، پس از يك زیارت و آستان بوسی و توسل . این خاصیت حرم است که پاک کننده دل و صیقل دهنده روح است .

باز هم که دور شدم ! بی بی جان ! وقتی به حرم تو می آیم " مشهد " هم در جلوی چشمم آشکار می شود . شما دو خواهر و برادر ، چه کرده اید با این دلهاي بی قرار ، که اینگونه پروانه وار ، طواف می کنند؟!!

در حرم تو ، به یاد " کاظمین " هم می افتم .

چه غریبانه ، روز و شب می گذرانند آن عتبات عالیه در سرزمین عراق !

من عراق نرفته ام و کاظمین را زیارت نکرده ام . ولی در حرم تو ، احساس می کنم که در خراسان یا کاظمینم .

بوی آن دو حجت الهی را از مزار تو استشمام می کنم " بوی گل را از که جویم ؟ از گلاب . "

بی بی جان ! اجازه هست وارد شوم ؟

اجازه هست بوسه بر ضریح منور بزنم ؟

اجازه هست خود را قاطی این زائران مشتاق کنم و مثل آنان ، ساده و بی ریا و بی ادعا ف خود را به ضریح برسانم دودستی به آن بچسیم ، از لایه لای شبکه های فولادی و نقره ای رنگ ضریح ، مخمل سبزی را که روی قبر تو انداخته اند ، تماشا کنم ، اشک بریزم ، شانه هایم بلرزد ، دلم متلاطم شود و لبهایم با این ضریح مشبک متبرک شود ؟
می دانم که اجازه خواهی داد .

می دانم که خدا و رسول و فرشتگان ، اذن خواهند داد . اگر رخصت نبود ، توفیق همینجا آمدن را هم نداشتم .

من به " طلبیدن " عقیده دارم . حتی برادر غریب تو ، حضرت رضا (ع) هم همین طور است . فقط به خواستن ما نیست . " طلبیدن " او هم شرط است .
گاهی با هزار مقدمه چینی و برنامه ریزی ، جور نمی شود . گاهی هم خیلی آسان ، وسیله و شرایط ، جور و مساعد می شود .
بی بی جان ! تو هم طلبیده ای . شما خانواده ، اهل کرامت و بزرگواری هستید .

- کریمان با بدان هم بد نکردند اگر ناقابلیم و شرمساریم بجز عشق شما چیزی نداریم
- کسی را از در خود رد نکردند بجز عشق شما چیزی نداریم

نداریم

این جا آشیانه آل محمد (ص) و حرم اهل بیت است . دری از درهای بهشت است . شما صاحبخانه اید و ما میهمان . خودتان فرموده اید که به دیدار شما آیم و با حرملهای انس و الفت داشته باشیم . خودتان گفته اید که گامهایی که در مسیر زیارت شما خاندان برداشته می شود ، چه قدر ثواب دارد . خدا شما مشوق ما بوده اید . ما هم به دعوت شما آمده ایم .
حالا ف من هم یکی از هزاران زائریم که به آستان بوس آمده ام .
جسم کنار ضریح توست .

ولی ... نمی دانم روح و روحیه ایم تا چه حد به تو نزدیک است ؟
سر راهم که آمدم ، تعظیمی هم به مقام علمی و عرفانی بزرگانی کردم که در کنار حرم تو و در سایه ضریحت آرمیده اند ف آیه الله حائری یزدی ، آیه الله صدر ، آیه الله خوانساری ، شهید مطهری ، علامه طباطبایی ، شهید محراب آیه الله مدنی و بزرگان دیگری که سر بر آستان تو نهاده اند و حتی نام و نشانی هم از آنان بر در و دیوار نیست ، ولی قدم به قدم این حرم و مسجد بالاسر ، آنان را در برگرفته است .
وقتی سر قبر علامه فاتحه می خواندم ، به یاد آمد که او ، از روی عشق و علاقه ای که به تو داشت ، وقتی روزه بود ، روزه اش را با بوسه بر ضریح مقدس تو افطار می کرد .
چه معرفتی ! خوشا به حالش .

آن طرف تر ، وقتی کنار قبر آیه الله بروجردی فاتحه می خواندم ، یاد حرف یکی از استادانم افتادم که می فرمود: آیه الله بروجردی سفارش کرده بود که نامش را در لیست خدام افتخاری آستانه تو بنویسند .

هرگاه از کنار قبر شهید آیه الله قدوسی می گذرم ، یاد خاطراتی می افتم که از او در ایام طلبگی و درس خواندن دارم . بی اختیار پاهایم از رفتن باز می ماند ، می ایستم و " الحمد " ی برای او می خوانم . او برگردن من حق بسیار دارد ، هم حق استادی ، هم حق تربیتی و اخلاقی .

مرقد آیه الله بهاءالدینی ، الهام بخش صدق و صفا و معنویت و عرفان است .
قبر آیه الله اراکی و آیه الله گلپایگانی ف یاد سلسله ای نورانی از فقیهان وارسته و عالمان پارسا را در نظر زنده می کند .

خوب ، بي بي جان ! زياد حرف زد . دست خودم نبود . محبت تو بود كه مرا به حرف
 كشاند و سفره دلم را باز كردم .
 بلبل از فيض گل آموخت سخن ، ورنه نبود
 اين همه قول و غزل ، تعبيه در منقارش (۱۲)
 زيارت حرمت ، هم روح را باز مي كند ، هم نطق و بيان را و هم زبان را به نجوا و نياز
 خواهي و رازگويي مي گشايد .
 تسبيحات حضرت زهرا (س) را گفته ام .
 بگذار " زيارتنامه " را آغاز كنم :
 زيارتنامه حضرت معصومه (س)

السَّلَامُ عَلَيَّ اَدَمَ صَفْوَةَ اللهِ ، السَّلَامُ عَلَيَّ نُوحَ نَبِيَّ اللهِ ، السَّلَامُ عَلَيَّ اِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللهِ ،
 السَّلَامُ عَلَيَّ مُوسَى كَلِيمِ اللهِ ، السَّلَامُ عَلَيَّ عِيسَى رُوحِ اللهِ ، السَّلَامُ عَلَيَّكَ يَا رَسُولَ اللهِ ، السَّلَامُ
 عَلَيَّكَ يَا خَيْرَ خَلْقِ خَلَقَ اللهُ ، السَّلَامُ عَلَيَّكَ يَا صَفِيَّ اللهِ ، السَّلَامُ عَلَيَّكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللهِ ،
 خَاتَمَ النَّبِيِّينَ ، السَّلَامُ عَلَيَّكَ يَا اميرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ اَبِي طَالِبٍ ، وَصِيَّ رَسُولِ اللهِ ، السَّلَامُ
 عَلَيَّكَ يَا فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ ، السَّلَامُ عَلَيَّكُمَا يَا سِبْطِي نَبِيَّ الرَّحْمَةِ ، وَ سَيِّدِي شَبَابِ
 اَهْلِ الْجَنَّةِ ، السَّلَامُ عَلَيَّكَ يَا عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ سَيِّدَ الْعَابِدِينَ ، وَ فَرَّةَ عَيْنِ النَّاطِرِينَ ، السَّلَامُ
 عَلَيَّكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ ، باقرَ الْعِلْمِ بَعْدَ النَّبِيِّ ، السَّلَامُ عَلَيَّكَ يَا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ الصَّادِقَ
 الْبَارَّ ، الْأَمِينَ ، السَّلَامُ عَلَيَّكَ يَا مُوسَى بْنَ جَعْفَرَ بْنَ لَطَّاهِرَ الطَّهْرَ ، السَّلَامُ عَلَيَّكَ يَا عَلِيَّ بْنَ
 مُوسَى الرِّضَا الْمُرْتَضَى ، السَّلَامُ عَلَيَّكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ النَّقِيِّ السَّلَامُ عَلَيَّكَ يَا عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ
 النَّقِيِّ النَّاصِحِ الْأَمِينَ ، السَّلَامُ عَلَيَّكَ يَا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ ، السَّلَامُ عَلَيَّكَ يَا وَصِيَّ مِنْ بَعْدِهِ ، اللَّهُمَّ
 صَلِّ عَلَيَّ نُورِكَ وَ سِرَاجِكَ ، وَ وَلِيِّ وَلِيِّكَ ، وَ وَصِيِّ وَصِيِّكَ . وَ حُجَّتِكَ عَلَيَّ خَلْقِكَ . السَّلَامُ
 عَلَيَّكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللهِ ، السَّلَامُ عَلَيَّكَ يَا بِنْتَ فَاطِمَةَ وَ خَدِيجَةَ ، السَّلَامُ عَلَيَّكَ يَا بِنْتَ
 اميرِ الْمُؤْمِنِينَ ، السَّلَامُ عَلَيَّكَ يَا بِنْتَ اميرِ الْمُؤْمِنِينَ ، السَّلَامُ عَلَيَّكَ يَا بِنْتَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ ،
 السَّلَامُ عَلَيَّكَ يَا بِنْتَ وَلِيِّ اللهِ ، السَّلَامُ عَلَيَّكَ يَا اُخْتَ وَلِيِّ اللهِ ، السَّلَامُ عَلَيَّكَ يَا عَمَّةَ وَلِيِّ اللهِ .
 السَّلَامُ عَلَيَّكَ يَا بِنْتَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرَ وَ رَحْمَةَ اللهِ وَ بَرَكَاتُهُ ، السَّلَامُ عَلَيَّكَ عَرَفَ اللهُ بَيْنَنَا وَ
 بَيْنَكُمْ فِي الْجَنَّةِ وَ حَشَرْنَا فِي زُمْرَتِكُمْ وَ أوردْنَا حَوْضَ نَبِيِّكُمْ وَ سَقَانَا بِكَاسِ جَدِّكُمْ مِنْ يَدِ عَلِيٍّ
 بْنِ اَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْكُمْ ، اَسْأَلُ اللهَ اَنْ يُرِينَا فِيكُمْ السَّرُورَ وَ الْفَرَجَ ، وَ اَنْ يَجْمَعَنَا وَ
 يَأْتِكُمْ فِي زُمْرَةِ جَدِّكُمْ مُحَمَّدٍ (ص) وَ اَنْ لَا يَسْلُبَنَا مَعْرِفَتَكُمْ اِنَّهُ وَلِيُّ قَدِيرٍ . اُنْقَرِبْ اِلَيَّ اللهُ بِحُبِّكُمْ
 ، وَ الْبِرَاءَةِ مِنْ اَعْدَائِكُمْ ، وَ التَّسْلِيمِ اِلَيَّ اللهُ ، راضياً بِهِ غَيْرِ مُنْكَرٍ وَ لَا مُسْتَكْبِرٍ ، وَ عَلَيَّ يَقِينٍ مَا
 اَتَى بِهِ مُحَمَّدٌ (ص) وَ بِهِ راضٍ ، نَطْلُبُ بِذَلِكَ وَجْهَكَ يَا سَيِّدِي ، اللَّهُمَّ وَ رِضَاكَ وَ الدَّارَ الْآخِرَةَ
 ، يَا فَاطِمَةَ اسْتَفْعِي لِي فِي الْجَنَّةِ ، فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللهِ شَأناً مِنَ الشَّأْنِ . اللَّهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ اَنْ تَخْتِمَ لِي
 بِالسَّعَادَةِ ، فَلَا تَسْلُبْ مِنِّي مَا اَنَا فِيهِ ، وَ لَاحَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ ، اللَّهُمَّ اسْتَجِبْ لَنَا
 وَ تَقَبَّلْ بِكَرَمِكَ وَ عَزَّتِكَ وَ بِرَحْمَتِكَ وَ عَافِيَتِكَ ، وَ صَلِّ اللهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَجْمَعِينَ ، وَ سَلِّمْ
 تَسْلِيماً يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

ترجمه زيارتنامه

سلام بر آدم ، برگزیده خدا

سلام بر نوح ، پیامبر خدا

سلام بر ابراهیم ، دوست خدا

سلام بر موسی ، هم سخن خدا

سلام بر عیسی ، روح خدا

سلام بر تو ای رسول خدا ، ای بهترین خلق خدا ، ای برگزیده خدا ، ای محمد بن عبدالله !
 آخرین پیامبر .

سلام بر تو ای علی ، ای امیرالمؤمنین جانشین رسول خدا

سلام بر تو ای فاطمه ، سرور زنان جهان
سلام بر شما ، ای دو فرزند پیامبر رحمت و سرور جوانان بهشتی ، (امام حسن و امام حسین (ع))

سلام بر تو ای امام محمد باقر ، شکافنده علوم پس از پیامبر
سلام بر تو ای امام جعفر صادق ، نیکوکار و امین
سلام بر تو ای امام موسی بن جعفر ، امام پاک و مقدس
سلام بر تو ای امام علی بن موسی الرضا ، پیشوای پسندیده
سلام بر تو ای امام محمد تقی

سلام بر تو ای امام علی النقی ، خیر خواه و امین
سلام بر تو ای امام حسن عسگری

سلام بر جانشین و حجت خدا پس از او

خدایا بر نور و چراغ فروزان خودت (امام زمان) درود فرست
که ولی تو جانشین جانشینات و حجت تو بر بندگان است .

سلام بر تو ، ای دختر پیامبر (ص) ، ای دختر فاطمه (ع) و خدیجه (ع) !

سلام بر تو ، ای دختر امیرالمؤمنین (ع) ، و دختر امام حسن (ع) و امام حسین (ع)

سلام بر تو ، ای دختر ولی خدا ف ای خواهر و عمه ولی خدا

سلام بر تو ، ای دختر موسی بن جعفر (ع)

سلام بر تو .

خداوند میان ما و شما در بهشت ، آشنایی و ارتباط برقرار کند و ما را در گروه شما
محشور کند و از حوض کوثر جدتان پیامبر و به دست علی بن ابی طالب سیراب کند .
درود خدا بر شما باد .

از خداوند می خواهم که شادی و فرج شما را به ما بنمایاند و ما و شما را در گروه جدتان
حضرت محمد(ص) گرد آورد و معرفت شما را از ما نگیرد ، که او عهده دار و تواناست

با دوستی شما و بیزارای از دشمنانتان و تسلیم در برابر خدا ف به شما تقرّب می جویم .
راضیم ، نه ناخوشایند و نه متکبر .

به آنچه حضرت محمد (ص) آورده ، یقین دارم و به آن راضیم و رضای تو را می جویم .
خدایا! رضای تو و بهشت برین را می خواهم .

ای فاطمه معصومه !... درباره ورود در بهشت ، برای من شفاعت کن ، چرا که نزد
خداوند ، مقام بلندی داری .

خدایا از تو می خاهم که عاقبت مرا به سعادت ختم کنی و ایمان و ولایتی را که دارم از من
مگیر .

هیچ قدرت و نیرویی جز از خدا نیست .

خدایا به کرم و عزت و رحمتت قسم ، دعایمان را مستجاب و زیارتمان را قبول کن و بر
محمد همه آل محمد درود و سلام فرست . " یا ارحم الراحمین "

نگین قم (۱۳)

• شهرها انگشترند و " قم " ، نگین تربت قم ، قبله عشق و وفاست مرقد " معصومه"
چشم شهر ما دختری از اهل بیت آفتاب جان، اسیر رشته جود و کرم زائران را ارمغان ،
عشق و عفاف معرفت آموز ، از این آستان عصمت و پاکی از آن آموخته فقه و احکام خدا
را مرزبان بوده در مهد هدایتها مقیم تیغ قم بیگانه باشد از نیام شعر فقه و حوزه ، علم و
اجتهاد اهل قم را هم بصیرت داده اند برق تیغ بی نیامند اهل قم در دل و در دیده ، " آیت "

داشتند دل نمی دادند الا بر یقین راه را با رهنما پیمودن است در قیام و پیشتازی دائم اند کز عنایانش تراوید این سرود کز عنایانش تراوید این سرود

• قم ، هماره حجّت روی زمین شهر علم و شهر ایمان و صفاست مهر او جانهای ما را کهربا وارث دُرّحیا ، گنج حجاب هر دلی اینجاست مجذوب حرم این حرم باشد ملاتک را مطاف آستان بوسش بسی فرزندگان دیده پاکان به قبرش دوخته " حوزة قم " هاله ای بر گرد آن قم همیشه رفته راه مستقیم قم نمی بیند مگر خواب قیام شهر خون ، شهر شرف ، شهر جهاد هر کجا را هر چه سیرت داده اند نقطه قاف قیامند اهل قم اهل قم ، ز اول ولایت داشتند سر نمی سودند ، جز بر پای دین دین ، مطیع امر مولا بودن است اهل قم از یاوران " قائم " اند دختر " موسی بن جعفر " را درود کز عنایانش تراوید این سرود

-
- (۱) - این جزوه قبلاً به همین نام در سال ۱۳۷۳ چاپ شد ، که اینک با اضافات و اصلاحاتی تقدیم می شود (۲) - بحار الانوار ف ج ۹۹ ف ص ۲۶۷ .
- (۳) - هم الفقهاء العلماء ، هم اه الترابة و الزاویة و حسن العبادة _ بحار الانوار ، ج ۵۷ . ص (۲۱۷) .
- (۴) - به همین جهت در زیارت نامه اش او را دختر حسن و حسین (ع) خطاب می کنیم ، (السلام عليك يا بنت الحسن و الحسين) .
- (۵) - الامن مات علي حُبَّ مُحَمَّدٍ مات شهيداً
- (۶) - محلی که عبادتگاه آن حضرت در این مدت بوده ، هم اکنون هیز موجود است و به نام " بیت النور " واقع در خیابان چهارمردان ، میدان میر ، شناخته می شود .
- (۷) - بحار الانوار ، ج ۹۹ ، ص ۲۶۵ .
- (۸) - من زار قبر بقم فله الحنة (بحار الانوار ، ج ۹۹ ، ص ۲۶۵) .
- (۹) - درباره فلسفه زیارت و آثار تربیتی آن نگاه کنید به کتاب " زیارت " از : جواد محدّثی (نشر مشعر) .
- (۱۰) - بحار الانوار ، ج ۱۰۰ ، ص ۱۳۴ .
- (۱۱) - مائده ، آیه ۲۷ .
- (۱۲) - حافظ .
- (۱۳) - شعر از نویسنده است